

جایگاه اجتماعی زنان در تمدن باستانی شهر سوخته

صدرالدین طاهری^۱

چکیده

برپایه اسناد باستان‌شناختی و انسان‌شناختی برخی از جوامع باستانی با ساختار مادرمحور اداره می‌شده‌اند. در میان تمدن‌های باستانی ایران، شهر سوخته به سبب انتشار مداوم نتایج کاوش‌های درازمدت و علمی مورد مطالعاتی مناسبی برای بررسی جایگاه اجتماعی زنان به‌شمار می‌رود. این نوشتار، پژوهشی تاریخی است که از دیدگاه ماهیت توصیفی-تحلیلی و از دیدگاه هدف بنیادی نظری به‌شمار می‌رود و داده‌های کیفی و کمی آن به شیوه اسنادی با نمونه‌گیری هدفمند داده‌اندوزی شده‌اند. مهرها که نشانه جایگاه برجسته اجتماعی، منصب حکومتی یا مشارکت در تجارت هستند، در شهر سوخته تقریباً به‌طور کامل به زنان تعلق دارند. اجساد خفته در بسیاری از گورهای زنان شهر سوخته را براساس شمار بالای گورآوندها می‌توان صاحب سرمایه دانست. فراوانی این اشیا به‌ویژه در دوره دوم، که جمعیت و توان بازرگانی شهر سوخته به اوج می‌رسد، آشکار می‌کند که زنان شهر سوخته (دست‌کم در دوره‌های دوم و چهارم) به‌طور میانگین از مردان ثروتمندتر بوده‌اند. در شهر سوخته، اسلحه به‌ندرت یافت می‌شود و به‌جای آن در کنار زنان در گذشته اغلب اشیای زینتی و لوازم گوناگون آرایش نهاده شده. با توجه به مالکیت مهرها، می‌توان پیشنهاد کرد که کالاهای تولیدشده در روستاهای اقماری را زنان در شهر به فروش می‌رسانده یا به مناطق دیگر صادر می‌کرده‌اند. برپایه شواهد تحلیل‌شده در این مقاله نگارنده بر این باور است که جامعه شهر سوخته دست‌کم در بخش مهمی از تاریخ ۱۳۰۰ ساله خود به شیوه مادرمحوری اداره شده است و زنان آن سهم چشمگیری در شکل‌گیری اجتماعی و اقتصادی این تمدن داشته‌اند.

کلیدواژگان

زنان، شهر سوخته، عصر مفرغ، مادرمحوری.

۱. رئیس دانشکده پژوهش‌های عالی هنر و کارآفرینی، گروه پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان s.taheri@au.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۱۰

مقدمه

طی دهه‌های گذشته، انسان‌شناسان و باستان‌شناسان اسنادی به‌دست داده‌اند که آشکار می‌کند جوامع ابتدایی جهان باستان در بسیاری از مناطق با ساختار مادرمحور^۱ اداره می‌شده‌اند. در چنین جامعه‌ای، ممکن است زنان بیش از مردان در کسب رهبری سیاسی، اقتدار اخلاقی، برتری‌های اجتماعی یا کنترل مالکیت موفق باشند. این ساختار اجتماعی در میان برخی از جوامع بسیار دیرتر پاییده است، از جمله تا سده هشتم در ژاپن [۴، ص ۷۱۲]، سده نوزدهم در میان بومیان استرالیا [۱۴، ص ۲۹] و سده بیستم در برمه [۲۹، ص ۲]. امروز نیز هنوز قبایل بسیاری در سرتاسر جهان ساختار مادرتبار^۲، مادرمركز^۳ یا مادرکانون^۴ دارند. نشانه‌هایی از آن دوره هنوز در گفتار ما باز مانده است؛ چنان‌که از «زبان مادری»، «سرزمین مادری»، «مام میهن» و «مادر طبیعت» سخن می‌گوییم [۹، ص ۱۶].

گرچه همواره این پندار وجود داشته است که مادرمحوری درست نقطه مقابل پدرسالاری^۵ است، برخی از انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان (از جمله: آدلر^۶ [۱۶، ص ۱۹۳]، ال^۷ [۲۱، ص ۱۶۱]، گوتنر - آبندروث^۸ [۲۳، ص ۲]، پیپل و بیلی^۹ [۳۲، ص ۲۵۸]، لاو و شانکلین^{۱۰} [۲۸، ص ۲۷۵]) این فرض را رد کرده و با پژوهش بر اقوام بومی نشان داده‌اند که مادرمحوری معمولاً گونه‌ای از اداره جامعه با شیوه برابرنگاری^{۱۱} است. از دید ایشان، در این گونه جوامع بر نمادهای مادرانه‌ای تأکید می‌شود که با آیین‌های اجتماعی مؤثر بر زندگی هر دو جنس همبستگی دارند. زنان خود قواعد مادربودن و شرایط محیطی را که در آن نسل آتی پرورش می‌یابد تعیین می‌کنند و فرهنگ حول ارزش‌ها و رویدادهای زنانه شکل می‌گیرد؛ اما این ساختار از رشد

1. matriarchy

۲. matrilineal: جامعه‌ای که در آن انتقال دارایی، نام و ارث در یک خاندان از شاخه مادری انجام می‌شود [۲۶، ص ۶۱].

۳. matrilocal: جامعه‌ای که در آن خانواده پس از ازدواج در زادگاه زن استقرار می‌یابد [۲۷، ص ۷۰].

۴. matrifocal: جامعه‌ای که در آن خانواده زیر نظارت مادر اداره می‌شود و پدر سهم چندانی در مدیریت خانه یا تربیت فرزندان ندارد [۳۷، ص ۲۲۳].

۵. patriarchy: شیوه‌ای از اداره جامعه که برپایه آن مردان قدرت اصلی و نقش‌های رهبری سیاسی و اقتدار اخلاقی را در دست دارند و بر مالکیت و امتیازات اجتماعی حاکم هستند. مردسالاری معمولاً به مجموعه‌ای از اندیشه‌ها، مکتب‌ها یا قوانین تکیه دارد که در راستای توجیه این تسلط عمل می‌کنند و آن را به تفاوت‌های ذاتی طبیعی میان زنان و مردان نسبت می‌دهند [۲۴، ص ۶۵].

6. Margot Adler

7. Cynthia Eller

8. Heide Goettner-Abendroth

9. James Peoples & Garrick Bailey

10. Barbara Love & Elizabeth Shanklin

11. Egalitarianism

یافتن یا کسب مالکیت از سوی مردان جلوگیری نمی‌کند. ساکنان چنین اجتماعی اغلب ایزدبانوان نگاهبان برکت و باروری را پرستش می‌کنند. جامعه مادرمحور در سنت مارکسیستی نیز [ن.ک: ۱۶، ص ۱۹۴] جامعه‌ای پیشاطبقه انگاشته می‌شود که زنان و مردانش در تولید و قدرت به‌طور برابر اشتراک دارند.

تغییر چنین ساختاری گاه به سبب یورش بیابان‌گردان پدرسالار بوده است که پس از پیروزی بر یکجانشینان آرامش طلب و دست‌یافتن به سرزمین و پیشرفت‌های آنان باورها و کیش‌ها و خدایان خود را رایج کرده‌اند. این دوران گذار را می‌توان با نشستن خدایی نرینه به‌جای مادرخدا در جایگاه ریاست خاندان‌های ایزدی هم‌زمان دانست؛ مثلاً، جایگزینی مردوک با تیامت در میان‌رودان، هومبان با پی‌نی‌گیر در ایلام، سه مه‌ادوه (برهما، ویشنو، شیوا) با پرتیوی ماتار در هند، اورانوس با گایا در یونان و... [۸، ص ۴۵]. پذیرش ساختار اقتصادی مادرمحور برای یک گروه آرام یکجانشین، که زندگی‌شان به تجارت یا باروری زمین وابسته است و برای سیرشدن دست به سلاح نمی‌برند، بسیار آسان‌تر است تا بیابان‌گردان جنگجویی که با جدال و یورش به دیگر قبایل نیازهای خود را برمی‌آورند. از آنجا که در این قبایل زورمندی مهم‌ترین ویژگی برای ایستادن در بالای هرم ریاستی است، برتری در آن‌ها برای مردان ماندگار می‌شود.

کتیبه‌های به‌دست‌آمده از شوش شاهد حضور زنان در امور تجاری و حقوقی است؛ به گونه‌ای که گاه همه دارایی شخص به دختر یا همسرش ارث رسیده [۱۲، ص ۸۵]. در ایلام میانه مشروعیت پادشاهی از طریق شاخه زن به‌دست می‌آمد و تداوم می‌یافت و نام خاندانی مادر بر کودک نهاده می‌شد [۱۵، ص ۲۵۳]. این جایگاه زنان ایلامی و نیز ایستادن زنان در کنار مردان و گاه برتر از آنان در دوره هخامنشی به شهادت کتیبه‌های یافته‌شده در پارسه [۱۳، ص ۴۱ و ۴۲] به همراه داده‌های باستان‌شناختی دیگری که با کاوش‌های تازه بر شمارشان افزوده می‌شود [ن.ک: ۹، ص ۱۶] رشته‌هایی هستند که ما را به دوران مادرمحوری در ایران پیش از تاریخ ارتباط می‌دهند.

شهر سوخته در این میان به‌سبب انتشار مداوم نتایج کاوش‌های درازمدت و استواری علمی داده‌های یافت‌شده (به‌ویژه بررسی‌های انسان‌شناختی و تفکیک گورهای زنانه و مردانه) اهمیتی دوچندان دارد. در جست‌وجوی یک جامعه مادرمحور در دوران پیش از تاریخ فلات ایران، این نوشتار تلاش دارد با استناد به آمارهای در دست از کاوش‌های شهر سوخته، جایگاه زنان را در این تمدن بزرگ باستانی پی‌جویی و شمایی از شیوه اجتماعی اداره این جامعه ترسیم کند.

چارچوب نظری و روش پژوهش

این نوشتار پژوهشی تاریخی است که از دیدگاه ماهیت توصیفی-تحلیلی و از دیدگاه هدف

بنیادی نظری به‌شمار می‌رود. داده‌های کیفی و کمی این پژوهش به شیوه اسنادی با نمونه‌گیری هدفمند داده‌اندوزی شده‌اند.

در پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی، پژوهش‌گر علاوه بر تصویرسازی آنچه هست، به تشریح و تبیین دلایل چگونگی و چرایی مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. در این‌گونه پژوهش‌ها می‌توان از روش استقرایی استفاده کرد. بدین‌سان که وقتی ویژگی یا صفتی مشترک در پدیده‌های گوناگون تکرار و مشاهده شد، می‌توان براساس آن یک نظریه ارائه کرد [۳، ص ۷۲]. در استراتژی پژوهش استقرایی، نظریه شامل تعمیم‌هایی است که به‌وسیله استقرا از داده‌ها به‌دست می‌آیند. بنابراین، پژوهش به ساختن و پرداختن نظریه‌ای مربوط می‌شود که از گردآوری داده‌ها آغاز و با توصیف‌های انتزاعی از الگوهای موجود در داده‌ها (تعمیم‌ها) به پایان می‌رسد. استقراییان در جست‌وجوی قوانین جهانی زندگی اجتماعی هستند [۱، ص ۲۳۱].

نوشتار حاضر از سوی دیگر پژوهشی ژرف‌نگر به‌شمار می‌رود که برای فهم جایگاه اجتماعی زنان در شهر سوخته به یک مطالعه موردی بر داده‌های باستان‌شناختی به‌دست‌آمده از کاوش‌های این منطقه دست زده است. محدوده جغرافیایی پژوهش، منطقه شهری تمدن شهر سوخته و محدوده تاریخی آن چهار دوره باستانی اسکان در شهر سوخته (از ۳۲۰۰ تا ۱۸۰۰ پ.م) است.

هدف اصلی این نوشتار تبیین جایگاه زنان در تمدن باستانی شهر سوخته و تحلیل چرایی شکل‌گیری این ساختار اجتماعی است. تمدن شهر سوخته در پایان هزاره چهارم پ.م پایه‌ریزی شده و در نیمه نخست هزاره سوم پ.م به اوج می‌رسد، اما هنوز اسناد نوشتاری که بتوانند پرتوی بر شرایط زیست در این شهر باستانی بیفکنند به‌دست نیامده است؛ از این‌رو برای فهم ساختار اجتماعی این تمدن باید به داده‌های باستان‌شناختی تکیه کرد. در این زمینه، نخست نتایج منتشرشده از کاوش‌های این محوطه بررسی شده و آمارهای به‌دست‌آمده از گورهای زنانه و مردانه برداشت و با یکدیگر مقایسه می‌شوند. در اطلاعات چاپ‌شده از فصل کاوش باستان‌شناسان ایتالیایی اشاره‌ای به جنسیت گورخفتگان نشده است. بنابراین، بیشتر تحلیل‌های نوشتار حاضر برپایه داده‌هایی است که از کاوش‌های باستان‌شناسان ایرانی حاصل آمده و در دو مجموعه گزارش شهر سوخته (گزارش نخست اطلاعات کاوش در گورستان طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ و گزارش دوم اطلاعات کاوش در گورستان طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲) انتشار یافته است.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشی مستقل درباره جایگاه اجتماعی زنان در شهر سوخته منتشر نشده است، اما اشارات پراکنده‌ای را در این باب می‌توان در لابه‌لای سطور مهم‌ترین داده‌های علمی در دست

درباره شهر سوخته، یعنی انتشارات منظم باستان‌شناسان ایتالیایی و ایرانی پس از هر فصل کاوش، بازیافت.

بیشتر نوشتارهای علمی درباره شهر سوخته به فناوری ساخت اشیای گوناگون توسط ساکنان این شهر اختصاص یافته است؛ اما شماری از پژوهش‌ها نیز به ساختار زندگی و شهرنشینی در این محوطه و ارتباطات فرهنگی مردمان آن پرداخته‌اند که عبارت‌اند از: مقاله توزی^۱ با عنوان «شهر سوخته، یک استقرار از ابتدای شهرنشینی در سیستان ایران» [۳۹]، مقاله بیسکونه^۲ با عنوان «پویایی شهرنشینی اولیه در آسیای جنوبی: اولین دوره شهر سوخته و ارتباط آن با ترکمنستان جنوبی» [۱۸]، مقاله‌هایی از پیپرنو^۳ با عنوان «مفاهیم اجتماعی-اقتصادی در گورهای شهر سوخته» [۳۳] و «جنبه‌های چندگانگی قومی در گورهای شهر سوخته» [۳۴]، مقاله ماکیارلی و پاسارلو^۴ با عنوان «تحلیل و مقایسه دیرینه‌شناختی ساکنان شهر سوخته» [۳۰]، مقاله پارذینی و لمباردی پارذینی^۵ با عنوان «ساختار بیولوژیکی مردمان شهر سوخته» [۳۱]، مقاله فیاندرا و پیپه^۶ «گونه‌شناسی و شیوه توزیع شاخص‌های مدیریت در منطقه مسکونی شرقی شهر سوخته در دوره دوم» [۲۲]، مقاله کاتینی^۷ با عنوان «نشانه‌های مدیریت در منطقه مسکونی شرقی شهر سوخته در دوره دوم» [۱۹]، مقاله کورتزی، توزی، لازاری و ویداله^۸ با عنوان «روابط فرهنگی فراتر از فلات ایران، تمدن هلمند، بلوچستان و دره سند در هزاره سوم پ.م.» [۲۰]، مقاله جاریگ، دیدیه و کویورون^۹ با عنوان «شهر سوخته و تاریخ‌نگاری سرزمین‌های هند و ایرانی» [۲۵] و مقاله عبدی و گنجی با عنوان «بررسی ساختار سیاسی-اجتماعی جامعه شهر سوخته در هزاره سوم پیش از میلاد» [۱۰].

شهر سوخته

شهر سوخته در استان سیستان و بلوچستان و در ۵۶ کیلومتری جنوب زابل قرار دارد. بازمانده‌های این تمدن به‌منزله یکی از محوطه‌های مهم آغاز شهرنشینی در جنوب خاوری فلات ایران در کنار دلتای رود هیرمند و بر روی تراس رمروود واقع شده است [۴۱، ص ۱۳۰]. بقایای شهر سوخته در مساحتی حدود ۱۵۰ هکتار فقط با شمار اندکی از شهرهای عصر مفرغ^{۱۰}

1. Maurizio Tosi
2. Raffaele Biscione
3. Marcello Piperno
4. Roberto Macchiarelli & Pietro Passarelli
5. E. Pardini & E. C. Lombardi Pardini
6. E. Fiandra & C. Pepe
7. G. Cattini
8. E. Cortesi, M. Tosi, A. Lazzari, M. Vidalle
9. Jean-François Jarrige, Aurore Didier & Gonzague Quivron

۱۰. در آسیای باختری، از حدود ۳۰۰۰ تا ۱۵۰۰ پ.م. ان.ک: ۲، ص ۸.

قابل مقایسه است. شهرهایی چون اوروک و کیش در میان رودان، ملیان و شوش در جنوب و جنوب باختری ایران و موهنجودارو در کرانه رود سند بزرگ‌ترین شهرهای هزاره سوم پ.م به‌شمار می‌روند، اما وسعتشان از شهر سوخته کمتر است [۴۲، ص ۷۴]. گسترش فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و صنعتی شهر سوخته در یک بازه زمانی ۴۰۰ ساله از طول حیات ۱۳۰۰ ساله‌اش، آن را از شمایل یک شهرک کوچک ۱۵ هکتاری خارج و به یکی از شهرهای بزرگ دوران مفرغ خاورمیانه تبدیل کرده است [۶، ص ۴۶].

پیش از شناسایی شهر سوخته از سوی باستان‌شناسان، مسافرانی که از منطقه عبور کرده‌اند در نوشته‌هایشان از شهر سوخته نام برده‌اند. حدود یک قرن پیش برای نخستین بار سر اورل استاین^۱ این محوطه را کاوش کرد [۳۸]. باستان‌شناسان مؤسسه پژوهش‌های خاورمیانه ایتالیا^۲ بین سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۷ به سرپرستی مائوریزو توزی این محوطه را در نه فصل کاوش کردند [۴۳]. از سال ۱۳۷۶، کار کاوش از سوی گروه باستان‌شناسان ایرانی به سرپرستی سید منصور سید سجادی دوباره آغاز شد و تاکنون ادامه دارد. این محوطه به پنج بخش تقسیم می‌شود: ناحیه مسکونی شرقی، ناحیه وسیع مرکزی، بخش صنعت‌گران در شمال باختری، بخش یادمانی در شمال خاوری و گورستان در جنوب باختری شامل حدود چهار هزار گور [۳۶، ص ۲۱]. در حدود ۳۲۰۰ پ.م در این مکان یک روستای کوچک شکل می‌گیرد که جمعیت آن بین سال‌های ۲۸۰۰ تا ۲۵۰۰ پ.م به اوج (حدود ۶ هزار و ۲۵۰ نفر) می‌رسد. بخشی از این رشد جمعیت به سبب ورود مهاجران گوناگونی است که شمار نیروهای کارآمد شهر در حوزه‌های صنعت‌گری، سفال‌گری، سنگ‌تراشی یا بازرگانی را افزون‌تر می‌کنند [۱۱، ص ۳۷].

تاریخ‌نگاری‌ها نشان‌دهنده چهار دوره فرهنگی استقرار (I تا IV) در این شهر باستانی است که به یازده مرحله (از صفر تا ۱۰) تقسیم شده است. زمان آغاز استقرار در شهر سوخته یا همان فاز ۱۰ (دوره نخست) تاریخی برابر با ۳۲۰۰ پ.م دارد. دوره نخست (مراحل ۱۰ تا ۸) تا ۲۸۰۰ پ.م ادامه یافته. دوره دوم استقرار در شهر سوخته (مراحل ۷ تا ۵) سال‌های ۲۸۰۰ تا ۲۵۰۰ پ.م را دربر می‌گیرد. دوره سوم (مراحل ۴ و ۳) برابر با ۲۵۰۰ تا ۲۳۰۰ پ.م است و دوره چهارم (مراحل ۲ تا صفر) از حدود ۲۳۰۰ تا ۱۸۰۰ پ.م ادامه یافته و به فروپاشی شهر ختم می‌شود [۴۰]. برخلاف تصور عام آتش‌سوزی عامل پایان این تمدن نبوده، بلکه رخدادهایی همچون تغییر بستر دریاچه هامون و تغییرات اقلیمی در نیمه نخست هزاره دوم پ.م مهم‌ترین دلایل ویرانی این محوطه باستانی به‌شمار می‌آیند.

تغییرات آب‌وهوا، خشکسالی‌های مستمر و عقب‌نشینی هامون از ۲۴۰۰ تا ۲۰۰۰ پ.م موجبات سقوط این شهر و کوچ ساکنان آن را فراهم می‌آورد [۱۱، ص ۳۷].

1. Sir Aurel Stein
2. ISMEO

ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه شهر سوخته

به نظر می‌رسد پایه‌های اقتصادی قدرت سیاسی در شهر سوخته بیشتر بر تولید، تهیه و صادرات محصولات خاص مثل ساخت ظروف سفالی و سنگی ویژه، مهره‌های سنگی، پارچه‌های ویژه، اشیای فلزی یا مواد اولیه و کالاهای خارجی و نه استراتژی ایجاد فشار برای افزایش محصولات کشاورزی و گردآوری مازاد محصولات کشاورزی تکیه دارد. این فرضیه را میزان بالای استفاده از مواد خام خارجی در کارگاه‌های تولیدی شهر سوخته، شواهد تجارت با نواحی دوردست، وجود کالاهای شأن‌زا و نبود انبارهای مرکزی ذخیره مازاد محصولات کشاورزی تأیید می‌کنند [۱۰، ص ۵۳].

برپایه داده‌هایی که سید سجادی و همکاران [۵، ص ۴۳] ارائه کرده‌اند، در شهر سوخته نشانه‌هایی از سازماندهی اجتماعی پیشرفته مشاهده می‌شود. سامانه آب‌رسانی و تخلیه فاضلاب آب رودخانه هیرمند را با تن‌پوشه‌های سفالی وارد شهر می‌کرد و پساب مصرفی خانه‌های بزرگ دواشکویه و چنداتاقه را از شهر بیرون می‌برد. ارتباطات تجاری گسترده مردمان شهر، این تمدن را کانون ارتباطی میان دره سند با شوش و میان‌رودان ساخته بود. مردمان شهر سوخته در دانش پزشکی نیز به دستاوردهای شگفت‌آوری همچون جراحی مغز و پرکردن دندان رسیده بودند. کشف تخته‌ها و ابزارهای بازی، لوازم گوناگون آرایش، چشم مصنوعی و... در گورها نشان‌دهنده جامعه‌ای مرفه است که از دغدغه‌های اساسی انسان پیش از تاریخ (همچون امنیت و تأمین خوراک) گذر کرده است.

سید سجادی و همکاران [۵، ص ۱۴۵] که بازمانده‌هایی از ده‌ها کوره و کارگاه را در روستاهای اقماری شهر سوخته بررسی کرده‌اند بر این باورند که آثار یافت‌شده در گورها در این کارگاه‌ها تولید می‌شده است.

هرچند با جامعه‌ای با پیچیدگی‌های اجتماعی، سیاسی و اداری روبه‌رو هستیم که می‌توان شواهد آن را در تفکیک فضاهای شهری، مهر و موم کالاها و اتاق‌ها، تخصص‌گرایی بالا، تجارت با نواحی دوردست و روابط فرهنگی، اداری و اقتصادی با محوطه‌های پیرامونی دید، استفاده از استراتژی همکاری به کوشش کنشگران سیاسی به جای استفاده از استراتژی‌های محروم‌سازی یا تمرکز قدرت باعث شده در بررسی این جامعه با همه ویژگی‌های از پیش تعریف‌شده برای حکومت‌ها روبه‌رو نشویم [۱۰، ص ۵۴].

تحلیل داده‌ها

هدیه‌های گوناگونی که مردمان جهان باستان در کنار جسد فرد درگذشته قرار می‌داده‌اند، معمولاً از میان دارایی‌های شخصی وی برگرفته می‌شده است. از این‌رو، قابل اطمینان‌ترین راه

برای آگاهی از جایگاه اجتماعی یک انسان باستانی ارزیابی اشیایی است که همراه وی در گور نهاده شده است. گورآوندهای شهر سوخته را می‌توان به پنج دسته اشیای کاربردی روزمره، زینتی، آیینی، مربوط به پیشه‌ها و مواد خوراکی بخش کرد.

در گورهای شهر سوخته آثاری همچون ظرف‌های گوناگون (از جنس سفال، سنگ و به‌ندرت فلز)، مهرهای استوانه‌ای و مسطح (از جنس فلز، سنگ، لاجورد و استخوان)، مهره‌های زینتی (از جنس عقیق، فیروزه و لاجورد) (تصویر ۱)، ابزارهای آرایش (همچون سرمه‌دان، میل سرمه، هاون‌های بزرگ‌سب، پودرهای آرایشی، آینه‌های مفرغی و شانه‌های چوبی) حصیر، سبد، پارچه و ابزارهای کار فرد در گذشته به‌همراه وی دفن شده‌اند. در برخی از تدفین‌ها جانورانی نیز قربانی شده و در کنار جسد قرار گرفته‌اند. خوراک‌های گوناگونی (همچون گوشت جانوران، پرندگان و ماهیان، گندم، جو، انگور، سیر، گشنیز، بنه، عدس و...) نیز درون ظرف‌ها یا پارچه‌هایی در گورها قرار داده شده‌اند. این آثار فقط بخشی از گورآوندهایی است که مردمان شهر سوخته در کنار درگذشتگان خود نهاده‌اند و آسیب‌های محیطی در گذر پنج تا چهار هزار سال بخشی مهم از آثار فلزی یا آلی درون گورها را از بین برده است [۶، ص ۲۳۷].

در ادامه داده‌های باستان‌شناختی همبسته با زنان که از گورستان شهر سوخته یافت شده‌اند، بررسی خواهند شد.



تصویر ۱. شماری از مهره‌های زینتی یافت‌شده از گورهای شهر سوخته [۴۵، ص ۱]

الف) اسناد مالکیت و مدیریت زنان: مهرها به‌سبب اطلاعات بسیاری که در خود نهفته‌اند از مهم‌ترین اشیایی هستند که در کاوش‌های باستان‌شناختی کشف می‌شوند. وجود مهر در کنار اشخاص اغلب نشان‌دهنده جایگاه برجسته اجتماعی، منصب حکومتی یا مشارکت در تجارت است.

در یک جامعه پیشاتاریخی اشخاصی به مهر نیاز دارند که قرار است دستورات مدیریتی یا

مراودات اقتصادی آن‌ها ثبت و تأیید شود. این گونه مهرها (تصویر ۲) در گورهای شهر سوخته نیز به‌عنوان یک تمدن وابسته به تجارت یافت می‌شوند.

در شهر سوخته مهرها، که نشانه‌های مالکیت و قدرت‌اند، درست برخلاف آنچه در وهله اول تصور می‌شود، نه در گورهای مردان، بلکه بیشتر در کنار اسکلت زنان یافت شده‌اند [۱۱]، ص ۱۳]. این مالکیت مهرها از سوی بانوان، که در کاوش‌های اولیه باستان‌شناسان ایتالیایی اثبات شده بود [۳۵، ص ۱۷۶]، با ادامه بررسی در گورستان شهر سوخته تأیید شد. طی کاوش‌هایی که بین سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ در شهر سوخته صورت گرفت، از ۱۱۲ گور، ۵ مهر (۲ مهر استوانه‌ای از سنگ آهک و ۳ مهر مسطح مشبک مرمری و فلزی) یافت شد که ۴ مورد از این مهرها در گورهای زنان قرار داشتند (گورهای شماره ۱۶۰۵، ۱۶۱۰، ۱۵۰۵ و ۱۹۰۰؛ از دوره‌های اول و دوم) [۳۶، ص ۷۴].

در کاوش‌های انجام‌شده بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲، شمار بیشتری مهر به‌دست آمد. طی این دوره ۱۳ مهر (۹ مهر مسطح سنگی، استخوانی و فلزی و ۴ مهر استوانه‌ای از لاجورد و سنگ) یافت شد. در این شمار نیز ۸ نفر از دارندگان مهرها زن‌اند و فقط یک نفر از آن‌ها مرد بوده است [۳۷، ص ۲۳۷].



تصویر ۲. شماری از مهرهای یافت‌شده از گورهای شهر سوخته (تصاویر از موزه ملی ایران)

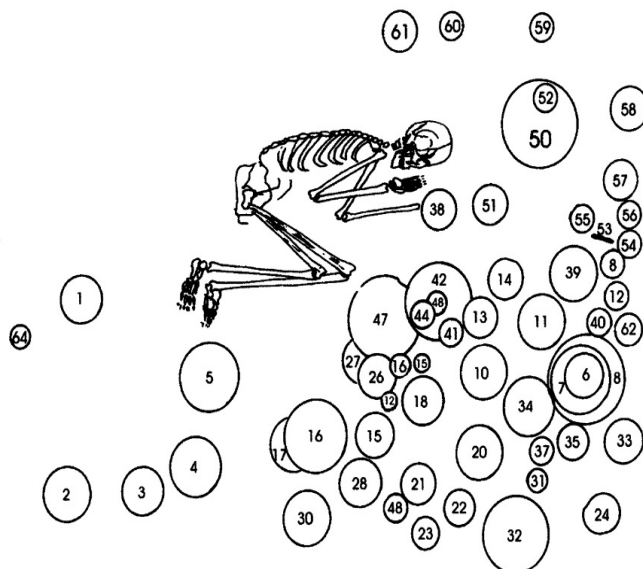
ب) دارایی‌های زنان: یکی دیگر از نشانه‌های شأن اجتماعی در دوران مفرغ مالکیت ظرف‌های مرمری بوده است. این ظرف‌ها به‌سبب سختی تولیدشان، معمولاً بسیار کمتر از ظرف‌های سفالی در گورهای باستانی کشف می‌شوند. بررسی‌های باستان‌شناختی روی ظرف‌های مرمری یافت‌شده از محوطه‌های گوناگون عصر مفرغ^۱ ارزش بالایی این آثار برای

۱. همچون موندیگک، گئوکسیور، شوش، گورستان اور، الغ تپه، گنور تپه، بلخ، کویته، شهداد، جیرفت، تل ابلیس، تپه یحیی، دمب سادات، تپه آنو، آلتین تپه و نمازگاه [ن.ک: ۷].

مردمان آن دوران را آشکار کرده است. برخی از ظرف‌های یادشده ممکن است از شهر سوخته به سرزمین‌های همجوار صادر شده باشد [۱۷، ص ۱۶].

در شهر سوخته، ظرف‌های مرمری در گورهایی یافت شده‌اند که معمولاً اشیای تدفینی بیشتری (شامل مهره‌های زینتی از سنگ‌های بهادار و نیمه‌بهادار) در آن‌ها قرار داده شده است و از اهمیت و برجستگی بیشتری نسبت به سایر گورها برخوردار هستند [۵، ص ۲۷۴]. بنابراین، بدون شک، مالکیت این گونه از ظرف‌ها می‌تواند نشانه‌ای از تمکن اقتصادی یک گور خفته باشد. در شهر سوخته نمونه‌های گوناگونی از این ظرف‌های مرمری یافت شده که می‌توان آن‌ها را در سه دسته کاسه‌های مخروطی، جام‌های پایه‌دار و هاون‌های استوانه‌ای دسته‌بندی کرد [۶، ص ۲۶۲]. از میان ۱۳۸ گور کاوش‌شده بین سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹، فقط در ۳۹ گور ظرف‌های مرمری پیدا شده است. در مالکیت این ظرف‌ها زنان و مردان تقریباً سهمی برابر دارند [۵، ص ۲۷۷-۲۸۰]. در کاوش‌های بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ در ۳۱۰ تدفین، ۹۰ گور دارای ظرف‌های مرمری هستند که در این میان نیز شمار گورهای مردانه و زنانه تقریباً برابر است [۶، ص ۲۷۰].

شمار بالای گورآوندها می‌تواند نشان دیگری از توان‌مندی مالی یک شخص باشد. اجساد خفته در بسیاری از گورهای زنانه شهر سوخته را براساس این معیار می‌توان صاحب مکننت و سرمایه دانست؛ مثلاً در کنار بانویی که در گور ۱۷۰۵ آرمیده (تصویر ۳)، شمار بسیاری ظرف‌های سفالی، یک سرمدان با میلهٔ سرمه‌کش مفرغی و تکه‌های پارچه یافت شده است [۵، ص ۵۵۴].



تصویر ۳. طرحی از بانوی آرمیده در گور شماره ۱۷۰۵ شهر سوخته به همراه گورآوندها [۳۶، ص ۲۸]

جایگاه اجتماعی زنان در تمدن باستانی شهر سوخته ۴۰۱

در ادامه به مقایسه آمار اشیایی خواهیم پرداخت که در کنار گورخفتگانی با جنسیت مشخص دفن شده‌اند.^۱ شمار گورآوندهای یافت‌شده، شمار گورها و میانگین شمار شیء در هر گور به تفکیک جنسیت و دوره تاریخی در جدول ۱ ارائه شده است. این آمارها از گورهای کاوش‌شده بین سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ به‌دست آمده و در سال ۱۳۸۶ منتشر شده‌اند [برگرفته از: ۵، ص ۳۹۶-۶۹۱]. جدول ۲ نشان‌دهنده آمارهای همسانی است که از کاوش‌های بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ حاصل آمده و در سال ۱۳۸۸ منتشر شده‌اند [برگرفته از: ۶، صص ۳۲۷-۶۸۱]. این آمارها در جدول ۳ با یکدیگر جمع شده‌اند.

جدول ۱. آمار آثار یافت‌شده در گورها در کاوش بین سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ به تفکیک جنسیت و دوره تاریخی [نگارنده، برگرفته از آمارهای: ۵، ص ۳۹۶-۶۹۱]

	دوره ۱ ۲۸۰۰ تا ۳۳۰۰ (ه.ت)	دوره ۲ ۲۵۰۰ تا ۲۸۰۰ (ه.ت)	دوره ۳ ۲۳۰۰ تا ۲۵۰۰ (ه.ت)	دوره ۴ ۱۸۰۰ تا ۲۳۰۰ (ه.ت)	
شمار اشیا	۱۱۸	۶۴	۶	۱۴۲	
شمار گورها	۱۴	۱۲	۱	۴	زن
میانگین	۸,۴۲۸	۵,۳۳۳	۶	۳۵,۵	
شمار اشیا	۱۵۵	۲۷	۱۵۶	۴۳	
شمار گورها	۲۰	۸	۳	۳	مرد
میانگین	۷,۷۵	۳,۳۷۵	۵۲	۱۴,۳۳۳	

۱. برخی از اجساد یافت‌شده در گورستان شهر سوخته چنان آسیب دیده‌اند که تشخیص جنسیت شخص ممکن نیست، همچنین برخی از گورها نیز به دلایلی خالی از جسد هستند.

جدول ۲. آمار آثار یافت‌شده در گورها در کاوش بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ به تفکیک جنسیت و دوره تاریخی [نگارنده، برگرفته از آمارهای: ۶، ص ۳۲۷-۶۸۱]

	دوره ۱ (۲۸۰۰ تا ۳۳۰۰) (م.پ)	دوره ۲ (۲۵۰۰ تا ۲۸۰۰) (م.پ)	دوره ۳ (۲۳۰۰ تا ۲۵۰۰) (م.پ)	دوره ۴ (۱۸۰۰ تا ۲۳۰۰) (م.پ)
شمار اشیا	۶۹	۲۲۸	۵۳	۶
شمار گورها	۱۳	۲۴	۶	۱
میانگین	۵,۳۰۷	۹,۵	۸,۸۳۳	۶
شمار اشیا	۴۶	۸۷	۱۴۱	۱۷
شمار گورها	۸	۱۱	۷	۲
میانگین	۵,۷۵	۷,۹۰۹	۲۰,۱۴۲	۸,۵

جدول ۳. مجموع آمارهای به‌دست‌آمده از کاوش در دو دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ و بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ به تفکیک جنسیت و دوره تاریخی [نگارنده، برگرفته از آمارهای: ۵، ص ۳۹۶-۶۹۱؛ ۶، ص ۳۲۷-۶۸۱]

	دوره ۱ (۲۸۰۰ تا ۳۳۰۰) (م.پ)	دوره ۲ (۲۵۰۰ تا ۲۸۰۰) (م.پ)	دوره ۳ (۲۳۰۰ تا ۲۵۰۰) (م.پ)	دوره ۴ (۱۸۰۰ تا ۲۳۰۰) (م.پ)
شمار اشیا	۱۸۷	۲۹۲	۵۹	۱۴۸
شمار گورها	۲۷	۳۶	۷	۵
میانگین	۶,۹۲۵	۸,۱۱۱	۸,۴۲۸	۲۹,۶
شمار اشیا	۲۰۱	۱۱۴	۲۹۷	۶۰
شمار گورها	۲۸	۱۹	۱۰	۵
میانگین	۷,۱۷۸	۶	۲۹,۷	۱۲

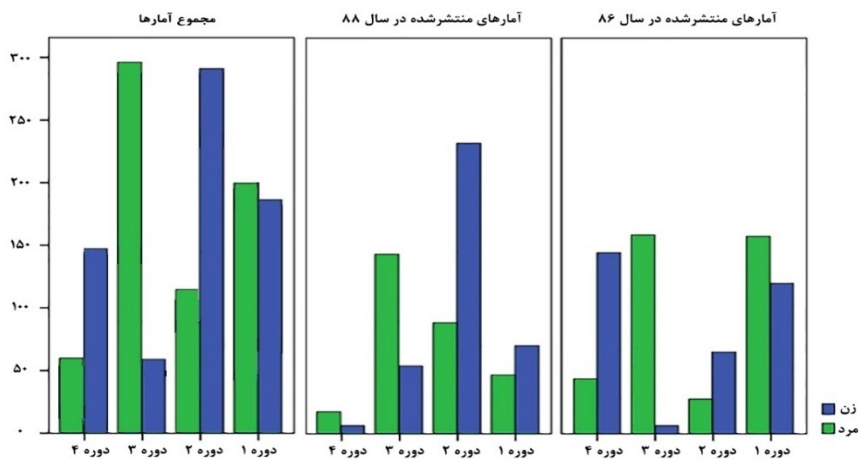
در جدول ۴ و همچنین در نمودارهای ۱ و ۲ این آمارها با یکدیگر مقایسه شده‌اند تا نسبت سهم زنان و مردان از گورآوندهای یافته‌شده در گورستان شهر سوخته آشکار شود.

جایگاه اجتماعی زنان در تمدن باستانی شهر سوخته ۴۰۳

جدول ۴. اطلاعات توصیفی آمارهای به دست آمده از کاوش در دو دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ و بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ به تفکیک جنسیت و دوره تاریخی

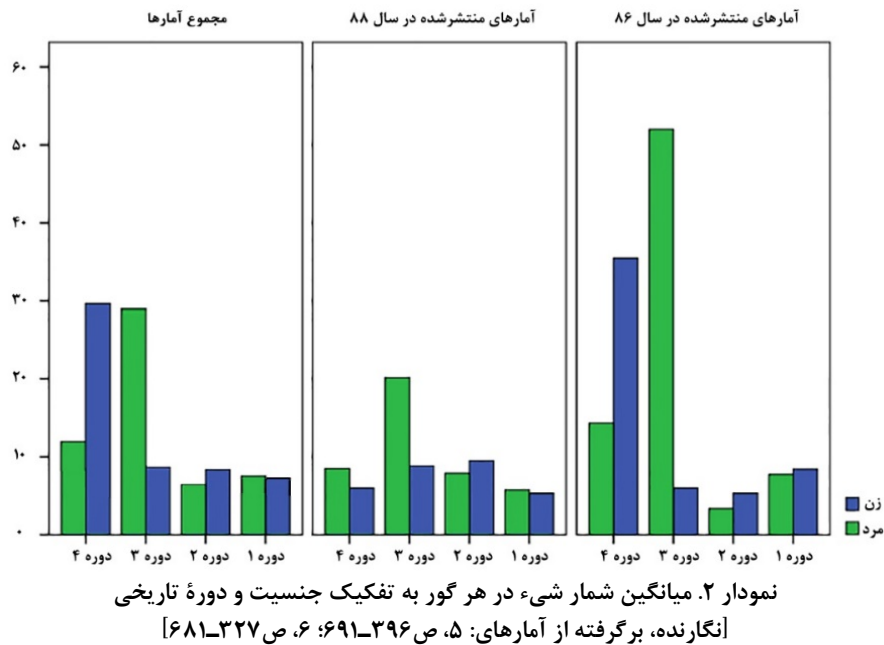
سال	دوره	جنسیت	تعداد	میانگین	میانگین	فا	انحراف معیار	واریانس	مینیمم	ماکسیمم	جمع	
آمارهای منتشرشده در ۱۳۸۶	دوره ۱	زن	۱۴	۸۴۲۸۶	۷۵	۷۰۰	۴,۳۲۷۲۷	۱۸,۷۲۵	۱	۱۹	۱۱۸	
		مرد	۲۰	۷۷۵	۸	۷۰۰	۳,۲۰۹۷۷	۱۰,۳۰۳	۰	۱۳	۱۱۵	
	دوره ۲	زن	۱۲	۵۳۳۳۳	۳	۱,۰۰	۶,۵۵۵۱۳	۴۲,۹۷	۱	۲۰	۶۴	
		مرد	۸	۳۳۷۵	۳	۳	۲,۱۹۹۸۴	۴۸,۳۹	۱	۸	۲۷	
	دوره ۳	زن	۱	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶
		مرد	۳	۵۲	۵۷	۲۴,۰۰	۲۵,۸۶۵۰۳	۶۶۹	۲۴	۷۵	۱۵۶	
	دوره ۴	زن	۴	۳۵۵	۳۷۵	۲,۰۰	۳۳,۱۷۱۲۷	۱۱۰,۳۳۳	۲	۶۵	۱۴۲	
		مرد	۳	۱۴,۳۳۳۳	۱۳	۱,۰۰	۵,۱۳۱۶	۲۶,۳۳۳	۱۰	۲۰	۴۳	
آمارهای منتشرشده در ۱۳۸۸	دوره ۱	زن	۱۳	۵۳,۰۷۷	۴	۲	۴,۷۳۲۵۹	۲۲,۳۹۷	۱	۱۷	۶۹	
		مرد	۸	۵,۷۵	۴۵	۱,۰۰	۵,۳۳۸۵۴	۲۸۵	۱	۱۸	۴۶	
	دوره ۲	زن	۲۴	۹۵	۸۵	۶	۵۶,۰۳۷۹	۳۱,۳۹۱	۲	۲۹	۲۲۸	
		مرد	۱۱	۷,۹۰۹۱	۸	۴	۴,۰۶۰۹	۱۶,۴۹۱	۲	۱۴	۸۷	
	دوره ۳	زن	۶	۸,۱۳۳۳	۷۵	۶	۴,۱۶۷۳۳	۱۷,۳۶۷	۶	۱۷	۵۳	
		مرد	۷	۲۰,۱۴۲۹	۱۲	۲,۰۰	۲۲,۱۷۶۷۸	۴۹۱,۸۱	۲	۶۳	۱۴۱	
	دوره ۴	زن	۱	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	
		مرد	۲	۸۵	۸۵	۷,۰۰	۲,۱۲۱۳۲	۴۵	۷	۱۰	۱۷	

[نگارنده، برگرفته از آمارهای: ۵، ص ۶۹۱-۳۹۶؛ ۶، ص ۳۲۷-۶۸۱]



نمودار ۱. شمار آثار یافت شده در گورها به تفکیک جنسیت و دوره تاریخی

[نگارنده، برگرفته از آمارهای: ۵، ص ۶۹۱-۳۹۶؛ ۶، ص ۳۲۷-۶۸۱]



ج) رفاه زنان: در شهر سوخته، اسلحه و ابزار کشتار بسیار به ندرت و کم یافت شده است [۵، ص ۱۴۶ و ۱۴۷]. آثار فلزی یافت شده در گورهای شهر سوخته عبارت‌اند از: سنجاق، میله‌های ریسندگی و بافندگی، آینه و دیگر اشیای کوچک. در کنار زنان در گذشته اغلب اشیای زینتی همچون شانه‌های چوبی، آینه، سرمه‌دان، میله‌های سرمه‌کشی، هاون سرمه‌کوبی و... قرار داده شده است [۵، ص ۱۴۷].

بانوی جوان گور ۱۴۰۰ بر یک فرش حصیری خوابانده شده و در پیرامون وی شمار بسیاری از ظرف‌های نومی سفالین، کاسه‌های مرمری، سبدهای حصیری ظریف، پارچه و یک ملاقه چوبی قرار گرفته. در یک سبد حصیری کنار این جسد، وسایل آرایش این بانو شامل یک جعبه آینه چوبی و درونش آینه‌ای فلزی، سرمه‌دان مرمری، هاون مرمری سرمه‌کوبی، میله فلزی سرمه‌کشی و شانه ظریف چوبی (تصویر ۴) وجود دارد [۵، ص ۴۰۸].



تصویر ۴. بخشی از گوراوندهای متعلق به بانوی آرمیده در گور ۱۴۰۰ [ص ۲۶، ۸۳ و ۸۴]

درون حدود ده درصد از گورها بزغاله‌ای به همراه جسد دفن شده است. صاحبان این گورها که به سبب کمبود گورآوند افراد فقیری به نظر می‌رسند، احتمالاً چوپان بوده‌اند. تقریباً همه این‌گونه گورها به مردان تعلق دارند [ص ۵، ۳۳۵] و مشخص است که زنان به این شغل کم‌درآمد اشتغال نداشته‌اند. دلیل دیگر دوری زنان از این شغل می‌تواند سختی کار شبانی و نیاز به ماندن در کنار رمة بیرون از منطقه شهری باشد.

برپایه آمار نهایی دوازده سال کاوش (۱۳۷۶ تا ۱۳۸۷)، در برابر هر ۱۰۰ زن، حدود ۷۰ مرد در گورستان شهر سوخته دفن شده‌اند. فروزانفر [ص ۱۱، ۴۰] دلیل این مسئله را سفرهای تجاری بی‌بازگشت شماری از مردان می‌داند. سید سجادی و همکاران [ص ۵، ۴۲] نیز اشاره کرده‌اند که برخی گورهای شهر سوخته خالی از جسدند که ممکن است به افرادی تعلق داشته باشند که در مکانی دیگر مرده‌اند. برپایه این فرض‌ها می‌توان نتیجه گرفت برخی از مردان شهر سوخته در هر دوره استقرار به سفرهای پرخطر بازرگانی فرستاده شده‌اند که گاه سبب مرگ آنان شده، بنابراین جمعیت زنان ساکن در این شهر معمولاً بیشتر بوده است.

فروزانفر [ص ۱۱، ۴۰] همچنین میانگین سنی زنان و مردان یافت‌شده در گورهای شهر سوخته را ثبت کرده است. هیچ‌یک از مردانی که تا امروز در کاوش‌های گورستان شهر سوخته یافت شده‌اند به سن پیری یا کهنسالی (بیش از ۵۹ سال) نرسیده‌اند؛ درحالی‌که ۵/۳ درصد از زنان منطقه زندگی تا دهه هفتم عمر را نیز تجربه کرده‌اند. همچنین، بیش از یک‌سوم از کل مردان در سنین زیر میان‌سالی (۳۶ تا ۴۳ سال) فوت کرده‌اند که ممکن است به سبب سختی بیشتر زندگی یا اشتغال به کارهای سخت بوده باشد.

د) دین: هنوز سندی قطعی برای آگاهی از دین مردمان شهر سوخته به دست نیامده است. از دوره نخست شهر سوخته یک سردیس زنانه و از دوره دوم شمار بیشتری پیکرک‌های زنانه یافت شده است [۴۲، ص ۱۷۷]. بیشتر این پیکره‌ها به دو گونه‌اند: الف) نشسته، ساده‌شده با شکم برآمده و ب) نیم‌تنه با دست‌ها روی شکم. این پیکره‌ها یادآور نمونه‌های بسیاری از تندیس‌های باروری‌اند [ان.ک: ۸] که از سوی سایر تمدن‌های آن دوران ساخته شده‌اند و به رواج اندیشه‌های همبسته با مذاهب برکت‌خیزی در جامعه شهر سوخته اشاره دارند.



تصویر ۵. پیکره مفرغی بانو، یافت‌شده از شهر سوخته [تصویر از موزه ملی ایران]

دو نمونه ویژه دیگر نیز به همین دوره تعلق دارند: یک پیکره گلین ایستاده با چند ردیف پولک‌های تزئینی بر سینه و تندیس بانویی از برنز به بلندای ۲۹ سانتی‌متر (تصویر ۵) که کوزه‌ای را بر سر خود نگه داشته است. پیکره مفرغی بانویی با کوزه آب بر سر را می‌توان تجسمی از یک ایزدبانوی ناظر بر آب‌ها دانست [۴۴، ص ۱۴].

نتیجه گیری

بر پایه اسناد ارائه شده از سوی باستان شناسان و انسان شناسان، بسیاری از جوامع باستانی با ساختار مادرمحور اداره می شده اند. مادرمحوری گونه ای از اداره جامعه با شیوه برابرائنگاری است. جامعه ای پیشا طبقه که زنان و مردانش در تولید و قدرت به طور برابر اشتراک دارند، اما ممکن است زنان بیش از مردان در کسب رهبری سیاسی، اقتدار اخلاقی، برتری های اجتماعی یا کنترل مالکیت موفق باشند.

در میان تمدن های باستانی ایران، شهر سوخته به سبب انتشار مداوم نتایج کاوش های درازمدت و استواری علمی داده های یافت شده (به ویژه بررسی های انسان شناختی و تفکیک گورهای زنانه و مردانه) مورد مطالعاتی مناسبی برای بررسی جایگاه اجتماعی زنان به شمار می رود. پایه های اقتصادی قدرت در شهر سوخته بر تولید و صادرات کالاهایی همچون ظرف های سفالی و سنگی، مهره های زینتی، پارچه، اشیای فلزی و زیورها تکیه داشته و نه کشاورزی. پراکنش نسبتاً متعادل ثروت در این تمدن باستانی نشان دهنده استفاده از استراتژی همکاری به کوشش کنشگران سیاسی به جای محروم سازی یا تمرکز قدرت است.

وجود مهر در کنار اشخاص اغلب نشان دهنده جایگاه برجسته اجتماعی، منصب حکومتی یا مشارکت در تجارت است. در شهر سوخته، این مهرها نه در گورهای مردان، بلکه بیشتر در کنار اسکلت زنان یافت شده اند.

یکی دیگر از نشانه های شأن اجتماعی و تمکن اقتصادی در دوران مفرغ مالکیت ظرف های مرمری بوده است. شمار گورهای مردانه و زنانه ای که در آنها ظرف مرمری یافت می شود تقریباً برابر است. شمار بالای گورآوندها می تواند نشان دیگری از توانمندی مالی یک شخص باشد. اجساد خفته در بسیاری از گورهای زنانه شهر سوخته را براساس این معیار می توان صاحب مکت و سرمایه دانست. مقایسه آماری شمار گورآوندهای یافت شده به تفکیک جنسیت و دوره تاریخی (نمودارهای ۱ و ۲) آشکار می کند که اموال دفن شده در کنار زنان و مردان در دوره اول تقریباً همسان است. در دوره های دوم و چهارم زنان دارایی بیشتری دارند و در دوره سوم مردان. شمار بالای اشیای دفن شده در کنار زنان، به ویژه در دوره دوم (۲۸۰۰ تا ۲۵۰۰ پ.م) که جمعیت و توان بازرگانی شهر سوخته به اوج می رسد، آشکار می کند که زنان شهر سوخته (دست کم در دوره های دوم و چهارم) به طور میانگین از مردان ثروتمندتر بوده اند.

در شهر سوخته، اسلحه و ابزار کشتار بسیار به ندرت یافت شده است. این مسئله نیز ویژگی دیگری از جوامع مادرمحور است که معمولاً تمایل کمتری به جنگ دارند. به جای آن در کنار زنان در گذشته اغلب اشیای زینتی همچون شانه های چوبی، آینه، سرمه دان، میله های سرمه کشی، هاون سرمه کوبی و... قرار داده شده. کشف این لوازم گوناگون آرایش، در کنار تخته ها و ابزارهای بازی، چشم مصنوعی و... در گورها نشان دهنده جامعه ای مرفه است که از دغدغه های اساسی انسان پیش از تاریخ (همچون امنیت و تأمین خوراک) گذر کرده است.

گورهایی که بزغالهای در آنها کنار جسد نهاده شده به سبب کمبود گورآوند احتمالاً به افراد فقیر (شاید چوپانها) تعلق دارند. تقریباً همه اجساد این گونه گورها مرد هستند و مشخص است که زنان به این شغل کم درآمد اشتغال نداشته‌اند.

در برابر هر ۱۰۰ زن، حدود ۷۰ مرد در گورستان شهر سوخته دفن شده‌اند. شاید برخی از مردان شهر سوخته در هر دوره استقراری به سفرهای پرخطر بازرگانی فرستاده شده‌اند که گاه سبب مرگ آنان شده، بنابراین جمعیت زنان ساکن در این شهر معمولاً بیشتر بوده است. هیچ‌یک از مردانی که تاکنون در کاوش‌های گورستان شهر سوخته یافت شده‌اند به سن پیری یا کهن‌سالی (بیش از ۵۹ سال) نرسیده‌اند؛ درحالی‌که ۵/۳ درصد از زنان منطقه زندگی تا دهه هفتم عمر را نیز تجربه کرده‌اند. همچنین، بیش از یک‌سوم از کل مردان در سنین زیر میان‌سالی (۳۶ تا ۴۳ سال) فوت کرده‌اند که ممکن است به سبب سختی بیشتر زندگی یا اشتغال به کارهای سخت بوده باشد.

گرچه هنوز سندی برای آگاهی از دین مردمان شهر سوخته در دست نیست، پیکره‌های زنانه شهر سوخته یادآور نمونه‌های رایج تندیس‌های باروری هستند که از سوی سایر تمدن‌های آن دوران ساخته شده‌اند و معمولاً برای طلب برکت یا حمایت از یک ایزدبانو ساخته و نگهداری می‌شده‌اند. بازمانده‌هایی از دهه‌ها کوره و کارگاه در روستاهای اقماری شهر سوخته یافت شده است که احتمالاً مکانی برای تولید کالاهای تجاری شهر سوخته بوده‌اند. از آنجا که تقریباً همه مهرهای به دست آمده در کاوش به زنان تعلق دارند، می‌توان پیشنهاد کرد که فروش این کالاها در شهر و شاید صادرات آنها به مناطق دیگر توسط زنان شهر سوخته صورت می‌گرفته است. با توجه به شواهد پیش گفته، نگارنده بر این باور است که جامعه شهر سوخته دست کم در بخش مهمی از تاریخ ۱۳۰۰ ساله خود به شیوه مادرمحوری اداره شده است و زنان آن سهم چشمگیری در مشارکت اجتماعی و اقتصادی داشته‌اند.

منابع

- [۱] بلیکی، نورمن (۱۳۸۴). *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.
- [۲] بیتمن، هالی (۱۳۸۴). *هنر عصر مفرغ*، ترجمه کوروش روستایی، تهران: پیشین‌پژوه.
- [۳] حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۲). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران: سمت.
- [۴] روزنبرگ، دونا (۱۳۷۸). *اساطیر جهان؛ داستان‌ها و حماسه‌ها*، ترجمه عبدالحسین شریفیان، تهران: اساطیر.
- [۵] سید سجادی، منصور، با همکاری محمد ضروری، فرزاد فروزانفر و روح‌الله شیرازی (۱۳۸۶). *گزارش‌های شهر سوخته ۱ (کاوش در گورستان ۱۳۷۶-۱۳۷۹)*، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- [۶] _____ (۱۳۸۸). *گزارش‌های شهر سوخته ۲ (کاوش در گورستان ۱۳۸۰-۱۳۸۲)*، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.

- [۷] شیرازی، روح‌الله (۱۳۸۸). شهر سوخته، زاهدان: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری سیستان و بلوچستان.
- [۸] طاهری، صدرالدین؛ طاووسی، محمود (۱۳۸۹). «تندیس‌های ایزدبانوان باروری ایران»، مجله مطالعات زنان، ش ۲۴، ص ۴۳-۷۳.
- [۹] طاهری، صدرالدین (۱۳۹۳). *ایزدبانوان در فرهنگ و اساطیر ایران و جهان*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- [۱۰] عبدی، کامیار؛ گنجی، شادی (۱۳۹۶). «بررسی ساختار سیاسی- اجتماعی جامعه شهر سوخته در هزاره سوم پیش از میلاد»، مجله جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۹، ش ۲، ص ۲۹-۶۴.
- [۱۱] فروزانفر، فرزاد (۱۳۸۸). *گزارش‌های شهر سوخته ۳ (مطالعات انسان‌شناسی ۱۳۷۶-۱۳۸۷)*، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- [۱۲] کار، مهرانگیز (۱۳۶۵). «نظام حقوقی در ایلام»، *نامه فرهنگ ایران*، دفتر دوم، تهران: بنیاد نیشابور.
- [۱۳] کخ، هایدماری (۱۳۷۶). *از زبان داریوش*، ترجمه پرویز رجبی، تهران: کارنگ.
- [۱۴] ناس، جان بایر (۱۳۸۲). *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: علمی و فرهنگی.
- [۱۵] هینتس، والتر (۱۳۷۱). *دنیای گمشده ایلام*، ترجمه فیروز فیروزنیا، تهران: علمی و فرهنگی.
- [16] Adler, Margot (2006). *Drawing Down the Moon: Witches, Druids, Goddess-Worshippers, and Other Pagans in America*. New York: Penguin Books.
- [17] Besenval, Roland (1997). "Entre le Sud-Est Iranien et la plaine de l'Indus: le Kech-Makran. Recherches archéologiques sur le peuplement ancien d'une marche des confins Indo-Iraniens". In: *Arts asiatiques*, tome 52, PP 5-36.
- [18] Biscione, Raffaele (1973). "Dynamics of an early South Asian urbanization: first period of Shahr-i Sokhta and its connections with Southern Turkmenia". In: Hammon, N., Wheeler, Sir M. (Eds.), *South Asian Archaeology*. Papers from the First International Conference of South Asian Archaeologists, London: University of Cambridge, PP 105-118.
- [19] Cattini, G. (2000). "Administrative Indicators in the Shahr-i Sokhta Eastern Residential Area of Period II (2800-2600 BC)," In: M. Taddei, G. De Marco (Eds.), *South Asian Archaeology 1997*, Rome: Istituto italiano per l'Africa e l'Oriente, PP 485-94.
- [20] Cortesi, E., M. Tosi, A. Lazzari, M. Vidalle (2009). "Cultural relationships beyond the Iranian Plateau, the Helmand Civilization, Baluchistan and Indus valley in the 3th millennium BC", *Paléorient*, 34 (2), PP 5-35.
- [21] Eller, Cynthia (1995). *Living in the Lap of the Goddess: The Feminist Spirituality Movement in America*, Boston: Beacon Press.
- [22] Fiandra, E., C. Pepe, (2000). "Typology and Distribution of the Administration Indicators in Eastern Residential Area of Shahr-i Sokhta During Period II (2800-2600 BC). The Sealings", In: M. Taddei, G. De Marco (Eds.), *South Asian Archaeology 1997*, Rome: Istituto italiano per l'Africa e l'Oriente, PP 467-83.
- [23] Goettner-Abendroth, Heide, (Ed.) (2009). *Societies of Peace: Matriarchies Past, Present and Future: Selected Papers: First World Congress on Matriarchal Studies, 2003 / Second World Congress on Matriarchal Studies, 2005*. Toronto: Inanna Publications.
- [24] Henslin, James M. (2001). *Essentials of Sociology*. London: Taylor & Francis.
- [25] Jarrige, Jean-François, Aurore Didier, Gonzague Quivron (2011). "Shahr-i

- Sokhta and the chronology of the Indo-Iranian regions". *Paléorient*, vol. 37, no 2. PP 7-34.
- [26] Knight, C. (2008). "Early human kinship was matrilineal". In: N. J. Allen, H. Callan, R. Dunbar and W. James (Eds.), *Early Human Kinship*, Oxford: Blackwell, PP 61-82.
- [27] Korotayev, Andrey (2003). "Form of Marriage, Sexual Division of Labor, and Postmarital Residence in Cross-Cultural Perspective: A Reconsideration". *Journal of Anthropological Research*. 59 (1): PP 69-89.
- [28] Love, Barbara, Elizabeth Shanklin (1983). "The answer is patriarchy", In: Joyce Trebilcot (Ed.). *Mothering: Essays in Feminist Theory*. New Jersey: Rowman & Allenheld.
- [29] Marshall, Harry Ignatius (1922). *The Karen People of Burma: A Study in Anthropology and Ethnology*, Ohio: Ohio State University Bulletin.
- [30] Macchiarelli, Roberto, Pietro Passarelli (1988). "Analisi paleodemografica comparativa della popolazione di Shahr-i Sokhta (Sistan, Iran, III millennio a.c.)", *Rivista di Antropologia*, 66, PP 5-36.
- [31] Pardini, E., E. C. Lombardi Pardini, (1988). "La struttura biologica della popolazione di Shahr-i Sokhta (III millennio a.C., Sistan, Iran)," In: G. Gnoli and L. Lanciotti (eds.) *Orientalia Iosephi Tucci Memoriae Dicata*, II, Rome: Istituto Italiano per il Medio ed Estremo Oriente, PP 1061-78.
- [32] Peoples, James, Garrick Bailey (2012). *Humanity: An Introduction to Cultural Anthropology*. Australia: Wadsworth.
- [33] Piperno, Marcello (1979). "Socio-economic implications from the graveyard of Shahr-i Sokhta", In: M. Taddei (ed.), *South Asian Archaeology 1977*, Naples: Istituto Universitario Orientale, Seminario di Studi Asiatici, PP 121-141.
- [34]----- (1986). "Aspects of Ethnical Multiplicity Across the Shahr-i Sokhta Graveyard", *Oriens Antiquus*, 25, PP 257-70.
- [35] Piperno, Marcello, Sandro Salvatori (2007). *The Shahr-I Sokhta graveyard (Sistan, Iran): excavation campaigns 1972-1978*, Rome: IsIAO.
- [36] Sajjadi, S. M. S., F. Foruzanfar, R. Shirazi, S. Baghestani (2003). "Excavations at Shahr-i Sokhta. First Preliminary Report on the Excavations of the Graveyard, 1997-2000" *Iran*, Vol. 41, PP 21-97.
- [37] Smith, Raymond T. (1956). *The Negro Family in British Guiana: Family Structure and Social Status in the Villages*. London: Routledge.
- [38] Stein, Aurel (1928). *Innermost Asia: Detailed Report of Explorations in Central Asia, Kan-su and Eastern Iran*, 5 vols. Oxford: Clarendon Press.
- [39] Tosi, Maurizio (1971). "Shahr-i Sokhta: un insediamento protourbano nel Sistan Iraniano", *Atti del Convegno Internazionale sul tema: La Persia nel Medioevo*, Rome: Accademia Nazionale dei Lincei, quaderno 160, 3, PP 15-30.
- [40]----- (1973). "The cultural sequence of Shahr-I Sokhta", Shiraz: Bulletin of Asia institute of Pahlavi University.
- [41]----- (1975). "A Topographical and Stratigraphical Perplus of Shahr-i-Sokhte", *Proceeding of IVth Annual Symposium on Archaeological Research in Iran*, PP 130-158.
- [42]----- (1983). "Excavations at Shahr-I Sokhta 1969-1970", In: Maurizio Tosi (Ed.), *Prehistoric Sistan I*, Rome: IsMEO, PP 73-127.
- [43]----- (1984). "The notion of craft specialization and its representation in the archaeological records of early states in the Turanian basin", In: Matthew

- Spriggs (Ed.), *Marxist perspectives in archaeology*, Cambridge: Cambridge University Press, PP 22-52.
- [44] Tucci, Giuseppe (1977). *La Citta' Bruciata Del Deserto Salato*, Venezia: Erizzo Editrice.
- [45] Vidale, M., A. Lazzari (2016). *Lapis Lazuli Bead Making at Shahr-i Sokhta. Interpreting Craft Production in an Urban Community of the 3rd Millennium BC*, Rome: ISMEO.